

# نگاهی به ترجمه‌های آذربایجانی قرآن کریم

رسول اسماعیل زاده

قبل از بررسی ترجمه‌ها و تفسیرهای آذری قرآن کریم لازم است جهت روشن شدن موقعیت زبان ترکی آذری اجمالاً مطالبی بیان گردد. زبان ترکی آذری یکی از شاخه‌های مهم و اساسی زبان‌های ترکی منشعب از ترکی اوغوز است. این زبان با توجه به شرایط مختلف جغرافیایی و دینی و فرهنگی از دیگر زبان‌های ترکی فاصله گرفته و به عنوان یک زبان مستقل و دارای ادبیاتی گسترده از ترکی مادر منشعب گشته است. در انشعاب و شکل‌گیری زبان ترکی آذری عوامل متعددی مؤثر بوده است. از آن جمله نفوذ اصطلاحات اسلامی، عرفانی و مفاهیم و الفاظ قرآنی سبب شده است که زبان و ادبیات آذری قالب و شکل خاصی به خود گیرد. به عنوان نمونه بررسی آثاری چون حدیقة السعدای ملا محمد فضولی<sup>۱</sup> و عقاید الاسلام<sup>۲</sup> مرحوم مقدس اردبیلی نشان می‌دهد که شکل، وزن اشعار، فرهنگ و سیمای ظاهری ترکی آذری کاملاً تحت تأثیر اوزان شعر عربی و عرفان اسلامی و فرهنگ شیعی واقع شده است.

۱. ملا محمد فضولی از روحانیون و شعراى کربلاست که با توجه به آثار متعددی که به ترکی آذری نوشته است از جمله ارکان ادبیات آذری به شمار می‌رود. مقتل حدیقة السعدای ایشان به عنوان یک اثر شیعی با قدمت ۵۰۰ ساله است.  
۲. کتاب عقاید الاسلام، نوشته ملا احمد مقدس اردبیلی توسط نویسنده این سطور آماده چاپ گشته است. این اثر یکی از متون نثر کلاسیک ترکی آذری به شمار می‌رود که در نهایت سلیسی و سادگی نوشته شده است.

امروزه ترکی آذری به عنوان یکی از زبان‌های اسلامی - شیعی در جهان مطرح است و آثار متعدد اسلامی به این زبان نوشته شده است که ترجمه و تفسیرهای قرآن کریم از جمله آنهاست.

گرچه ترجمه و تفسیر بعضی از سوره‌های مختلف قرآن از زمان‌های خیلی قدیم شروع شده، لیکن قدیمی‌ترین تفسیر و ترجمه کامل قرآن در قرن یازدهم میلادی، مقارن با قرون پنجم و ششم هجری، به لهجه ترکی جغتایی می‌باشد که در دانشکده شرق شناسی لنینگراد نگهداری می‌شود. نسخه دیگر این ترجمه در کتابخانه ریلاندز منچستر موجود است. در قرن چهاردهم میلادی، قرآن کریم سه بار به ترکی ترجمه شده که هر سه از حوادث زمان محفوظ مانده است. از این سه ترجمه قدیمی قرآن یکی در موزه آسیایی لنینگراد نگهداری می‌شود، دومی در موزه آثار ترک و اسلامی در استانبول، که در سال ۷۳۴ق/۱۳۳۳م نوشته شده است، و سومی در کتابخانه ملت (استانبول) است که در سال ۷۶۵ق/۱۳۶۳م نوشته شده است. تفسیر ترکی قرآن هم مربوط به دوران تیموری‌هاست و در موزه آسیایی لنینگراد نگهداری می‌شود.

در این رابطه کتاب فقه مفتاح العدل نیز به زبان ترکی نوشته شده است. این اثر، از آن جاکه برای هر یک از اصطلاحات اسلامی معادل ترکی انتخاب کرده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در آذربایجان نیز اولین ترجمه قرآن کریم به زبان ترکی آذری در قرن ۹ هجری به دستور اوزون حسن آق قویونلو نوشته شده است. این ترجمه در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری می‌شود. در ۱۲۰ سال اخیر ترجمه و تفسیر قرآن مورد توجه خاصّ علما قرار گرفته و این به علت بیداری مسلمانان از خواب گران بوده است. در این دوره متفکرانی چون سید قطب و اقبال لاهوری پیشروان فکر نوین در کشورهای اسلامی بودند. در آذربایجان نیز در برابر حرکت ملی‌گرایی محض، و در برابر جهالت و عقب‌ماندگی و برای مقابله با تفکر ناسیونالیستی از یک طرف و ایدئولوژی سوسیالیستی از طرف دیگر، متفکران، روشنفکران و علمای اسلامی ایدئولوژی نوین اسلامی را مطرح کردند و به بازشناساندن سیمای حقیقی اسلام پرداختند. متفکرانی چون سید عظیم شیروانی، حاج رضا صراف تبریزی، میرزا علی اکبر صابر، میر محمد کریم موسوی باکویی (صدر قوبرنسکی مجلس باکو)، ملا محمد حسن شکوی زاده، عباسقلی آقا باکیخانوف، پیشروان

بیش جدید از توحید، اسلام و قرآن و نخستین احساس کنندگان درد و درمان اساسی آن و پایه گذاران بازآموزی مفاهیم اساسی، علمی و قرآنی بودند. میرزا علی اکبر صابر با اشعار طنز آمیز خود به تقبیح جهالت حاکم و بیدار سازی مسلمانان می پرداخت و مسلمین را به سواد آموزی و علم دعوت می نمود و توجه آنان را به محتوا، مضمون و معانی قرآنی جلب می کرد. عباسقلی آقا با کینخونوف و سید عظیم شیروانی با الهام گیری از قرآن آثار متعدد علمی، اخلاقی و اعتقادی به جای گذاشتند و طلبه های روشنفکر تربیت می کردند. روحانیونی چون میر محمد کریم موسوی با کویبی صاحب تفسیر کشف الحقائق عن نکت الآیات والدقائق در بیدار سازی روحانیت معاصر خود و فقهای آن سامان سهم بسزایی داشته اند. در همین دوره علمای روشنفکر و مترقی در راستای بازآموزی قرآن و پرداختن به معانی قرآنی، برای مقابله با جهل حاکم بر مسلمانان آن زمان و در راستای بیداری روشنفکران از دین بریده، به ترجمه و تفسیر قرآن کریم مبادرت کردند. علمای اسلام در این دوره بیش از پیش متوجه ضرورت فهم دقیق معانی قرآن شده، به مقتضای شرایط مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی در صدد تألیف آثار علمی، اخلاقی، اعتقادی و تفسیری برآمدند و علاوه بر این که مسلمین را به یادگیری علوم اسلامی چون کلام، فلسفه، منطق، ادبیات، تفسیر، فقه و اصول دعوت کردند، فراگیری علوم طبیعی، جغرافیا، نجوم، ریاضیات، هندسه و زبان اقوام دیگر را ضروری دانستند و در این راستا به قرآن استناد جستند. مفسران و مترجمان آذربایجانی بیشتر با این انگیزه که یگانه عامل پیشرفت و ترقی معنوی و مادی انسان قرآن و یادگیری مفاهیم قرآنی است و باید قرآن را یادگرفت و سرمشق قرار داد، به تفسیر و ترجمه قرآن پرداختند. متأسفانه تاکنون در این خصوص پژوهش های دقیق علمی و تاریخی به عمل نیامده است و نویسندگان مسلمان در مورد مبارزات علمای اسلام با سردمداران شرک و کفر و با مبلغین جهل و بیسوادی و بدعت گزاران در این مرز و بوم اسلامی، قلم به کار نگرفته و چیزی ننوخته اند. پرداختن ما نیز به موضوعات تاریخی دور از هدف اصلی این مقال خواهد بود. اکنون به بررسی اجمالی مشهورترین ترجمه و تفسیرهایی که در صد سال اخیر نگاشته شده است می پردازیم:

### ۱. کشف الحقائق عن نکت الآیات والدقائق

این ترجمه، و یا به عبارت صحیح تر، این تفسیر توسط میر محمد کریم موسوی با کویبی قاضی شهر باکو نوشته شده، و در سال ۱۳۲۲ هجری توسط مرحوم حاج زین العابدین تقی اوف

در سه جلد نفیس و زیبا به چاپ رسیده است.

مفسر و مترجم فوق‌الذکر از علمای مشهور زمان خود بوده و تألیفات متعددی در زمینه‌های مختلف دارد. صلیب محاربه سی (جنگ‌های صلیبی)، در دو جلد از آثار تاریخی اوست. علاوه بر آثار فوق، کتاب‌های فاجعه کرپلا، هفدهم رمضان، عذراء قریش و غیره تألیف جرجی زیدان را به زبان ترکی آذربایجانی ترجمه نموده است.

مؤلف به ترقی و تعالی و وحدت مسلمین خصوصاً وحدت سنی و شیعه اهمیت خاصی می‌داده و تمام تلاش خود را در این راه به کار برده است. انگیزه اصلی وی در تفسیر و ترجمه قرآن کریم به زبان ترکی آذربایجانی، بیدار نمودن مسلمانان و روشنفکران از دین بریده بوده است. این مطلب از مقدمه‌هایی که در اول هر جلد از تفسیر خود آورده است کاملاً مشهود و هویداست.

وی در مقدمه تفسیر خود درباره انگیزه نگارش آن چنین می‌گوید:

«از آن جاکه ملت‌های مختلف اسلامی نمی‌توانند آنچنان که سزاوار است از مفاهیم قرآنی به جهت عربی بودن آن استفاده کنند، لذا ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف ملت‌های اسلامی لازم و ضروری است. اگر چه از هر ملتی چون فارس، ترک، هندو، بربر و غیره دانشمندانی وجود دارند که احکام قرآن را به آنسان تفهیم می‌کنند، لیکن میان شنیدن از عالم و خواندن قرآن و درک مفاهیم قرآنی به زبان مادری خود شخص تفاوت زیادی وجود دارد.»

مؤلف در رابطه با تفسیرهای موجود آن زمان و ایجاد تفرقه بین مسلمین توسط بعضی از نویسندگان چنین می‌گوید:

«در بعضی از تفاسیر موجود، خصوصاً به زبان فارسی تنها به الفاظ و قواعد صرفی و نحوی اکتفا شده است و برخی مفسران سخنانی را که موجب تفرقه بین ملت‌های اسلامی می‌شود ذکر نموده‌اند و حال آن‌که این تفرقه‌اندازی دور از مفاهیم قرآنی است.»

هر چه هست از قامت ناسازی انجام ماست  
ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

نوشته‌های این چنین دانشمندان دروغین، ملت اسلامی را در نظر ملت‌های غیر اسلامی عقب مانده و حقیر جلوه می‌دهد. حاشا و تم حاشا که در اساس اسلام هیچ قصوری نیست، نقصان از ناحیه ما مسلمین است.»

مؤلف در رابطه با جعل احادیث، رسوخ افکار ارتجاعی، تشویق و ترغیب ملت‌ها به جهل و بی‌سوادی از ناحیه برخی از مؤلفان، مطالب مفصلی بازگو نموده و با استناد به آیات

الهی و احادیث نبوی، ملت اسلامی را به کسب علم و سواد آموزی دعوت می‌کند، و حقوق زن و مرد و ارزش‌های والای انسانی موجود در احکام قرآنی را بیان می‌دارد، و راه‌های ترقی و تعالی و بیراهه‌های انحطاط و زوال را در جای جای تفسیر خود به مقتضای حال و مقام نشان می‌دهد. از کلام دردناک این مفسر محترم درک می‌شود که وی از عقب‌ماندگی، جهل و بی‌سوادی مسلمین در آن دوره، تا چه حد رنج می‌برده است.



تصویری از کتاب «تفسیر کشف الحقائق عن نکت الآیات والدقائق»

وی فقها و ملت اسلامی را علاوه بر یادگیری علوم اسلامی به یادگیری علوم طبیعی و انسانی ترغیب و تشویق می‌نماید و در این خصوص با دلی سوزان و کلامی سوزناک و درد آگین چنین بیان می‌دارد:

عجبا فقها در کتاب‌های خود وقتی از میراث و ارث بحث می‌کنند آن‌را منوط به علم حساب می‌نمایند، در حالی که اغلب طلاب علوم دینی از علم حساب بی‌خبرند.  
همچنین فقها وقتی در باب صلاة از قیله بحث می‌کنند، زیربنای بحث را علم هیئت (هندسه، نجوم و جغرافیا) قرار می‌دهند، متأسفانه در این زمان اغلب طلاب و مدرّسین علوم دینی وقتی به مبحث قبله می‌رسند، عاجز و مبهوت می‌مانند...<sup>۱</sup>

یستورن مسرتبه تکمیله  
بذل‌انده طاقتینی جهدیده

علمدن با شقان دیر انسانی  
نه عجب علمدن او تری انسان

### □ سبک ترجمه و تفسیر

مفسّر بیشتر تلاش نموده است که با سبک خاصّ خود خوانندگان را با معانی کلام و عبارات قرآنی آشنا نماید. برای همین منظور آیات قرآنی را به طور کامل در حاشیه متن در ستونی جداگانه آورده و در ضمن ترجمه و تفسیر نیز آیات را همراه با ترجمه ذکر کرده است. در برخی موارد آیات کلمه به کلمه ترجمه شده و در برخی موارد دیگر فقط قسمتی از آیات مورد ترجمه و تفسیر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در ترجمه و تفسیر، بیشتر جمله مدّ نظر بوده و آیات به صورت جمله به جمله ترجمه شده است که یادگیری کلمات، جملات، آیات و مفاهیم قرآنی برای مخاطبین آذربایجانی سهل و آسان باشد. تفاسیری که مورد استفاده مفسر محترم قرار گرفته، به شرح زیر است:

۱. تفسیر کشاف، تألیف علامه جار الله زمخشری.
۲. تفسیر کبیر امام فخر رازی.
۳. تفسیر فاضل ابوسعود مفتی قسطنطنیه.
۴. مجمع البیان، تألیف شیخ جلیل طبرسی.
۵. لباب التأویل فی معانی التنزیل، علاء الدّین بغدادی.
۶. مدارک التنزیل و حقایق التأویل، عالم جلیل ابوالبرکات نسفی.
۷. انوار التنزیل، تألیف قاضی بیضاوی.

۱. مرحوم میر کریم باکوئی به بعضی از روحانیونی که در آن دوره در زمینه علوم طبیعی و جغرافیا و غیره نظر خاصی داشته‌اند و این علوم را طرد می‌نمودند اشاره می‌کند.

۸. روح البیان، حقی افندی.

ما برای نمونه ترجمه و تفسیر چند آیه از سوره بقره از تفسیر کشف الحقائق را همراه با ترجمه فارسی آن ذکر می‌نماییم:

ایکنجی بقره سوره سی

(سوره بقره مدینه ده نازل اولویدر، ۲۸۶ آیه، ۶۱۲۱ کلمه، ۲۵۵۰۰ حرف در)

(۱) ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

(۲) ﴿أَلَمْ﴾ بو سوره نین اسمی و آدیدر. یعنی بو سوره الم سوره سیدیر [الله تعالی بو سوره نین آدینی الم قویویدر، لکن عرفده اونون مشهور کلمه لریندن بر کلمه نی اوندن اوتری آد قویولار. سوره نین ایچنده ذکر اولنان بقره لفظنی بوسورهدن اوتری آد قویو بلار. نیجه که اولنده ذکر ی اولندی و بوندان صورنا گلن سوره لر که اولنارین اوللرینده بوقسم حرفلر ذکر اولنوب تماماً او سوره لرین اسمیدر. امانجه که عرفده بوسوره یه بقره آد قویولویدر، او سوره لره ده هر برینه عرفده علاحده آد قویولوب، عرف آدیله مشهور اولولار.] ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾ بو قرآن کتاب کامل در، هیچ بر نقصان اونده یوخدور. ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ هیچ شک و شبهه یوخدر بسونده که بو کتاب الله تعالی طرفندن در، دوغرو و حق اولان کتابدر الله تعالی طرفندن. [اگر چه دیمک اولماز بو قرآنده شک و شبهه ایدن یوخدر؛ لکن مقصود اودر که بو قرآن کلام الهی در، انسان کلامی دکول و لایق دکول که شخص اونده شبهه ایلسون] ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ دوغرو بول گوسترندر بو قرآن متقیلردن اوتری [الله تعالی حرام ایدن ششیلری ترک ایدوب واجباتی عمله گتورن شخصه متقی دیلور]

(۳) ﴿الَّذِينَ﴾ متقیلرین صفتلرندن اودر که (یؤمنون بالغیب) ایمان گتورلر پیغمبره، «محمد» و قرآنه غایبانه. [پیغمبردن صورنا تا بو زمانه کیمین نه قدر مسلمانلار اولوب ایمان گتورولر و بوندن صورنا گلوب ایمان گتوره جکلر، هاموسی بو آیه شریفه نین تحتنه داخلدرلر. اما رسول خدانین زمان حضورنده موجود اولوب ایمان گتورن شخصلردن اوتری پیغمبرین و قرآنین امری آشکار اولدیقیچون اونا ایمان بغیب دیمک اولماز] ﴿وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ و نمازی برپا ایدرلر. ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾ اونعتلر دنکه اولناره نعمت و یرمشوک ﴿ینفقون﴾ محتاج اولان شخصلره انفاق و احسان ایدرلر.

### سورة بقره

[سورة بقره در مدینه نازل شده، ۲۸۶ آیه، ۶۱۲۱ کلمه، ۲۵۵۰۰ حرف است]

(۱) (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

(۲) (أَلَمْ) نام این سوره می‌باشد، یعنی این سوره سورة «الم» است. الله تعالی اسم این سوره

را «الم» [الف، لام، میم] گذاشته است، لیکن در عرف یکی از کلمه‌های مشهور و موجود در سوره به عنوان اسم این سوره انتخاب شده است؛ یعنی لفظ «بقره» که در سوره ذکر شده به عنوان اسم سوره انتخاب شده است. به طوری که در اوّل ذکر شد، سوره‌هایی که از این به بعد با چنین حرف‌هایی آغاز می‌شوند به نام همان حروف نامیده می‌شوند. لیکن همچنان که در عرف به این سوره سوره «بقره» گفته می‌شود، آن سوره‌ها نیز هر کدام نام ویژه‌ای دارند.

«ذَلِكِ الْكِتَابِ» این قرآن کتابی کامل است و هیچ‌گونه نقصی ندارد «لَا رَيْبَ فِيهِ» هیچ شک و شبهه‌ای نیست که این کتاب از طرف خداوند متعال است و کتاب حقیقی است از طرف خداوند. (اگر چه نمی‌توان گفت که هیچ کس در این قرآن شک نمی‌کند، ولی مقصود این است که اگر شخص به طور منصفانه دقت نماید برایش معلوم می‌شود که این قرآن کلام الهی است، کلام انسانی نیست و سزاوار نیست کسی در آن شک کند.) «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» برای متقین هدایت کننده است (متقی به کسی گفته می‌شود که کارهایی را که خدا حرام نموده است ترک نماید و به واجبات عمل نماید).

۳. «آلذِّينَ» از صفات متقین این است که «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» کسی که غایبانه به پیغمبر (محمد) و قرآن ایمان بیاورد. بعد از پیغمبر تا این زمان و از این زمان به بعد هر چه مسلمان بوده و هست داخل در معنی این آیه شریفه می‌باشد. ولی کسانی که در حیات حضرت رسول ایمان آورده‌اند به خاطر این که پیغمبر و احکام قرآن برای آنها آشکار بوده است به آنان مؤمنین بالغیب گفته نمی‌شود.

«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» و نماز را به پا می‌دارند. «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» و از آن نعمت‌هایی که به آنها داده‌ایم «يَنْفِقُونَ» به اشخاصی که محتاج هستند انفاق و احسان می‌نمایند.

به طوری که مشاهده می‌شود، مفسّر محترم کوشیده است مخاطب و خواننده را به طور کامل با عبارات قرآنی و معانی کلام الهی آشنا کند. ترجمه و تفسیر را نیز تقریباً به صورت مزجی ارائه داده است.

ترجمه و تفسیر فوق از حیث زبان‌شناسی قابل تأمل است. زبان ترجمه مربوط به صد سال پیش است و جزء زبان کلاسیک ترکی آذربایجانی به شمار می‌رود و در کشورهای ایران و عراق برای عموم مردم ترک زبان کاملاً قابل فهم است، ولی در کشور جمهوری آذربایجان



فهم دقیق آن برای عموم مردم کمی مشکل به نظر می‌رسد.

این اثر در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی توسط دانشگاه صنعتی سهند تبریز به صورت افسست (باکوچک نمودن قطع کتاب) چاپ شده است و توسط آقای عبدالمجید صادق نوبری به صورت خلاصه و با حذف مقدمه‌ها و حواشی به زبان فارسی ترجمه و در سه مجلد بزرگ چاپ گردیده است.<sup>۱</sup>

## ۲. البیان فی تفسیر القرآن

این ترجمه و تفسیر توسط مفتی قفقاز شیخ الاسلام محمد حسن مولی زاده شکوی در دو جلد به قطع وزیری در سال ۱۳۲۶ هجری قمری برابر با ۱۲۸۴ هجری شمسی در مطبوعه غیرت تفلیس چاپ شده، و چاپ دوم آن در سال ۱۳۹۹ هجری قمری برابر با ۱۳۵۷ هجری شمسی از طرف علمای قم، و چاپ سوم آن در سال ۱۴۱۱ هجری قمری برابر با ۱۳۶۹ هجری شمسی از طرف سازمان تبلیغات اسلامی انجام یافته و در همین سال توسط مسلمانان قفقاز تجدید چاپ شده است.

مرحوم شیخ الاسلام محمد حسن مولی زاده شکوی، آیات قرآنی را خیلی دقیق ترجمه و تفسیر نموده و برای اصطلاحات قرآنی معادل‌های مناسبی در ترکی آذربایجانی آورده است. این ترجمه و تفسیر از جنبه علمی بسیار دقیق و کامل است.

مؤلف با استفاده از تفاسیر معتبر، ترجمه قرآن را بین گیومه، و تفسیر آن را خارج از گیومه بیان داشته است و اگرچه خود شیعه بوده ولی به دلایلی نامعلوم و شاید به منظور ایجاد وحدت میان مسلمین قفقاز و ممانعت از تفرقه و اختلاف<sup>۲</sup> و قتی اسامی خلفا را نقل می‌کند، عبارت «رضی الله عنه» را بر آن می‌افزاید.

با این همه، در موارد اختلاف بین مفسرین شیعه و سنی، مثل آیاتی که در رابطه با احکام وضو و متعه و غنایم است، به صورت کاملاً علمی و تحلیلی نظر مفسرین شیعه را ترجیح داده است. در این گونه آیات بدون این که سخنانی تفرقه انگیز بیان دارد، با شیوه کاملاً علمی و

۱. متأسفانه در ترجمه فارسی این اثر بزرگ، زبان اصلی کتاب کشف الحقائق که ترکی آذری می‌باشد اشتباهاً ترکی استانبولی تحریر شده است.

۲. باید گفت یکی از شکردهای تزار در آن زمان جهت زیر سلطه نگهداشتن آذربایجان ایجاد اختلافات و درگیری‌های شیعه و سنی بوده که علمای اسلام از جمله مؤلف محترم البیان آن را به خوبی فهمیده و در صدد جلوگیری از آن به هر نحو ممکن برآمده بود.

اجتهادی نظریات مفسرین سنی را بیان می‌کند و آنها را یکایک مورد بررسی قرار می‌دهد و صحت و سقم نظریات مختلف را تعیین می‌نماید. برای مثال، در رابطه با موضوع «مستعه» نظریات امام فخر رازی را ذکر نموده و به صورت بسیار ماهرانه و استادانه و با استدلال دقیق و اجتهاد کم نظیر آن را مورد بررسی و انتقاد قرار داده است.

( سورة الحمد - ۱ )

سورة الحمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۷ آیه در مکده نازل اولوب  
 (۶) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۴) مَالِكِ  
 يَوْمِ الدِّينِ (۵) اِيْلَآئِلهِ الْغَيْبِ الْغُيُوبِ (۶) اِيْحْدَا الْاَسْرَاطِ  
 الْمُنْتَهَمِ (۷) سِرَاطِ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ  
 عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

(۱) کومک لیک ایستوروم «جمع انبشارنده الیه که سیرالند» جمع مخلوقاته دنیاده روزی وجمع خلقه لازم اولان منتزای ویرمک سنی ایله «رحم ایندیر» آخرنده بعض مخلوقاته اولالاری بهشته داخل اینسک ایله. بسم الله به اختلاق وارد که سوره تک جزوی دریانه، امام حنفیه وایام مالک فالندیر که جزء سوره تکندیر انافالنده یازلیق محض سوره ترک بریزیندن فاضل اولماق ایچوندیر امام شافعی وایام حنبل وادامه یوگا فالندیر که بسم الله هر سوره تک جزئیدر مگر برأت سورسند (۲) هر لوتکر ونا «جمع ظاهری واطین فمقله قاینده که جمع حمد و شکر ایله لردن عمله کلوب و بولدن سوکره عمله که حک موسی «الله ایچوندیر که جمع مخلوقاته تربیت ویزندیر» اول یوخذن خلق ایله وپ سوکره بسلوب دنیاده روزی ویزوب هر حالده ایشارینه اصلاح ویرمکه (۳) سیرالندیر و آخرنده بهشت ویرمک ایله «رحم ایندیر» (۴) فیصامت گوننگ یادشاهیدیر «۵) پروردکارا آتیق «سنگا عساف ایندیریک و آتیق سیدن کومک ایستوریک» سنگا اطاعت ایتمکه و حکذا ایصنارک ضربی دفع ایتمکه (۶) بزى هدایت ایست دور بوله» اولوب بزى گوسترکه اولوب گیدوب سنگ طرفگا وراضی افکا بشک (۷) اوکس لرب اولتمکه اولاز لمعت ویرویسن «اولردن راضی و خوشحال اولماق و بهشته ویرمک ایله «نه اینکه اولوبله که اولوبله گیدنداره غمنا اولوب (آجیقلانویسن) و نه اینکه حق بولدن سیدمشلا رک بولنه. بوسوریه سبع منای دیزار سیرا وچینه که

در این جا نمونه‌ای از ترجمهٔ او را ذکر می‌کنیم.

۱. منم او الله که بلورم وگورورم.

۲. «بودور او کتاب» که الله تعالی سنا و یا که ئچمیش پیغمبرلره وعده وئرو بدر آخر الزمان

پیغمبرینه اونى گؤنده رمگی، «اونده شک یوخدور» که الله کلامی در «یول گؤسترندر پرهیزکارلره  
والله دن قورخان آدملره».

۳. «اوکسلر که ایمان گتورورلر (اینانورلر) گؤزه گؤرونمز اللهه و بشش وقت نماز قیلارلر و

اونلاره وئردیگیمیز روزی دن» مال، قوت، حکومت، علمدن سائر محتاج لره دخی «ویررلر»  
[وئرلر] فقیرلره روزی، ضعیف لره و مظلوملره کؤمکلیک، جاهل لره تعلیم و تربیه ائدرلر.

۴. «اوکسلر که اینانورلر سنا گؤندرین» قرآنه و شریعتنه «وسندن سابق پیغمبرلره نازل اولان

کتابلره» که عبارتند: تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داود، صحف ابراهیم و سائره  
کتابلر دن «و آخرت و جزا گونونه اونلار یقین ایدرلر» که یاخشی عمل مقابلینده یاخشی جزا  
و پیس عمل مقابلینده پیس جزا اولاجا قدر. ]

### ترجمه به فارسی

۱. منم آن خداوند که می‌دانم و می‌بینم.

۲. «این است آن کتاب» که الله تعالی به تو و پیغمبران گذشته وعده داده فرستادن آن را به

پیغمبر آخر الزمان. «شکی در آن نیست» که کلام خداوند است «راهنماست برای پرهیزگاران  
و کسانی که از خداوند می‌ترسند».

۳. «آنهایی که ایمان می‌آورند (باور می‌کنند) به خداوندی که دیده نمی‌شود و پنج وقت

نماز می‌گذارند و از روزی که به آنها داده‌ایم» از مال و قوت و حکومت و علم، به سایر  
نیازمندان هم «می‌دهند». به فقرا روزی می‌دهند، و به ضعفا و مظلومین کمک می‌کنند و به  
جاهلین تعلیم و تربیت می‌دهند.

۴. «و آن کسانی که باور دارند به تو و قرآن نازل شده» و شریعت «و کتاب‌هایی که به

پیامبران قبل از تو نازل شده» که عبارتند از: تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و  
صحف ابراهیم و سایر کتاب‌ها. «به آخرت و روز جزا یقین دارند» که در برابر عمل نیک  
سزای نیک و در مقابل عمل بد جزای بد خواهد بود.

## ۳. ترجمه آذری قرآن کریم

این ترجمه توسط ضیاء بنیادوف و واسیم محمد علی یثو در سال ۱۹۹۲ میلادی در باکو انجام یافته است. ترجمه بدون متن عربی قرآن در یک جلد ۷۲۰ صفحه‌ای با ۳۲ صفحه مقدمه چاپ شده است. این ترجمه از جهت ادبی در سطح عالی است. جمله‌بندی‌ها قابل فهم همگان است و ساده، روان و سلیس نگارش یافته است. مترجمین هر دو از استادان بزرگ زبان ترکی آذربایجانی و عربی می‌باشند. ترجمه دارای یک مقدمه ۳۲ صفحه‌ای است که توسط واسیم محمد علی یثو نوشته شده و در پایان ترجمه توضیحاتی در رابطه با سوره‌ها و آیات قرآنی توسط ضیاء بنیادوف نگارش یافته است.

اگر چه زبان ترجمه و جمله‌بندی‌ها، نگارشی در حد عالی و ساده و روان و سلیس است، ولی متأسفانه مترجمین محترم در ترجمه بعضی از آیات، و نیز در مقدمه و توضیحات، عقاید شخصی و احیاناً عقاید اهل تسنن را دخالت داده‌اند و در بعضی موارد به جهت عدم آشنایی با فقه و کلام و تفسیر مرتکب اشتباهات فاحشی شده‌اند.

همچنین در سبک ترجمه آیات کمی سهل انگاری صورت گرفته و بعضی از آیات به سبک تاریخی و رمان ترجمه شده است. این مطالب در نقل قول‌ها و ترجمه زمان افعال کاملاً مشهود است و نشان می‌دهد که چگونه آنان تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته بوده‌اند. همچنین مترجمان در داخل گروه توضیحاتی به ترجمه افزوده‌اند که ترجمه را به شکل تفسیر درآورده است. بعضی از شرح‌ها نیز بی‌مورد است.

ما در این جا برای نمونه ترجمه چند آیه از آیات قرآن کریم را مورد بررسی قرار می‌دهیم: در آیه ۱۱ سوره نساء، عبارت «فان کُنَّ نساءً فوق ائنتین» به این صورت ترجمه شده است:

«اگر تعداد دخترهای میت بیش از دو نفر باشد.»

Әкәр Гөлән шәхсин] гызларын сәји  
икидән артыгдырса,

مفهوم این عبارت این است که میت غیر از دختر، وارث دیگری نیز دارد. در صورتی که ترجمه صحیح آن این است: «اگر ورثه [تماماً] دختر [بوده] و از دو تن بیشتر باشند».

و یا در آیه ۲۴ سوره نساء، در ترجمه «فما استمتعتم به منهنّ فأتوهنّ أجورهنّ فریضة»

چنین آمده است:

«مهریه زانی که آنان را مورد استفاده [نزدیکی] قرار داده‌اید طبق مقررات لازم بپردازید.»

**Истифадә [җахынлыг] етдиҗиниз  
гадынларын меһрләрини лазыми ғајдада  
верни!**

مترجمین ظاهراً با موضوع «متعہ» که در فقہ شیعه موقعیت خاصی دارد آشنایی نداشته و یا عقیده خاصی را در آن دخالت داده‌اند و کلمه «استمتعتم» را درست ترجمه نکرده‌اند.

در آیه ۹۴ سوره نساء، عبارت «القی الیکم السّلم» چنین ترجمه شده است:  
«به کسی که به شما سلام می‌گوید...».

**Сизә салам верән бир шәхсә,**

در صورتی که باید بدین صورت ترجمه می‌شد:

«به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند.» مترجمین فقط معنای ظاهری کلمه را در نظر گرفته و فکر کرده‌اند که مقصود سلام گفتن است.

در آیه ۶ سوره مائده، عبارت «وامسحوا برؤسکم وارجلکم الی الکعبین» را نیز چنین

ترجمه کرده‌اند:

**[җаш әлиннән] башыныза мәсһ еднн  
[чәкин], ајагларынызы топуғларыныза  
гәдәр [топуғларыныз да дахил олмага]ла  
јузун**

«[با دست تر] به سرتان مسح کنید و پاهایتان را تا برآمدگی پاشنه پا بشوید»!؟

ترجمه صحیح آن این است: «سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید».

مترجمین اولاً به جای «مسح کنید»، «بشوید» آورده‌اند، و ثانیاً به جای برآمدگی پیشین پا،

[توپوق] برآمدگی دو طرف پاشنه پا ترجمه کرده‌اند.

در این آیه مترجمین کاملاً تحت تأثیر بعضی از ترجمه‌هایی که به زبان ترکی استانبولی

انجام شده است، قرار گرفته‌اند.

در آیه ۱۲۷ سوره نساء «لاتؤتونهنّ ماکتب لهنّ وترغبون ان تنکوهنّ» به این صورت

ترجمه شده است:

**Онлар верилмәси вачиб оланы  
[мирасы] өзләринә вермәјәрәк евләнмәк  
истәдиҗиниз јетим ғызлар,**

«در حالی که مقرری آنها را به خودشان نمی‌پردازید می‌خواهید با آن دختران یتیم ازدواج کنید».

ترجمه صحیح آن «حق مقرر آنان را نمی‌پردازید و میل به ازدواج با آنان ندارید» است. مترجمین بدون اطلاع از شأن نزول آیه و سابقه تاریخی و مورد خاص، «ترغبون» را مثبت ترجمه کرده‌اند.

آیات ۷ از سوره آل عمران و ۴۳ و ۱۰۸ از سوره مائده و ۱۹، ۴۳، ۶۲، ۱۲۲، ۱۵۷ از سوره انعام و ۷۴ و ۱۵۸ از سوره اعراف و ۴ و ۲۶ از سوره یونس نیز ناقص ترجمه شده و بعضی از عبارات اصلاً ترجمه نشده است.

در آیه ۴۹ سوره آل عمران و همچنین در سوره‌های دیگر «قد جئتکم بأیه» فعل «جئتکم» به صورت لازم «آمده‌ام» ترجمه شده است؛ در صورتی که فعل «جاء» وقتی با حرف جرّ باء آورده شود متعدی می‌گردد؛ یعنی «آورده‌ام» باید ترجمه شود. همچنین در آیه ۳۲ سوره مائده.

غیر از موارد فوق اشتباهات دیگری نیز در این ترجمه دیده می‌شود که پرداختن به آن، مقاله مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد. ما فقط به عنوان مثال به مواردی چند اشاره کردیم. ترجمه فوق با حروف کرّیل و بدون درج اصل آیات چاپ گردیده و ظاهراً تجدید چاپ هم شده است.

علاوه بر ترجمه‌های فوق، ترجمه‌های دیگری چون ترجمه نریمان قاسم زاده، ترجمه انتشارات بین‌المللی الهدی و ترجمه آقای کاویان پور در سال‌های اخیر به چاپ رسیده است که از نقطه نظرهای مختلف قابل تأمل می‌باشد. به خواست خدا در مقالات آتی ترجمه‌های فوق الذکر نقد و بررسی خواهد شد.